

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک سال تحصیلی ۹۵-۹۶

محمد عباسی^۱، دکتر آمنه مالمیر^۲ و سید یوسف صالحی^۳

چکیده

این پژوهش تلاش کوچکی در جهت تبیین رابطه ی هوش موسیقایی دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان است. در پژوهش حاضر رابطه بین دو مولفه ی هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه سوم دبستان منطقه کهریزک تبیین شده است و از جامعه آماری که ۳۵۰ نفر بوده است تعداد ۱۸۱ نفر به شیوه ی نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. روش پژوهش در این مطالعه توصیفی-همبستگی است. اطلاعات مربوط به متغیر های این تحقیق از آزمون هوش چند گانه گاردنر و یک پرسشنامه ی محقق ساخته و جهت سنجش پیشرفت تحصیلی از میانگین نمرات درسی دانش آموزان که در پایان سال تحصیلی کسب کرده اند، استفاده شده است. بعد از به دست آوردن داده ها با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج نشان داد که مولفه ی هوش موسیقایی رابطه مثبت و معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. علاوه بر این آزمون نشان داد که سطح تحصیلات والدین با هوش موسیقایی فرزندان دارای ارتباط است. همچنین نتایج نشان داد که دانش آموزانی که مادران آنها خانه دار هستند از هوش موسیقایی بالاتری برخوردارند.

کلید واژه: پیشرفت تحصیلی، هوش موسیقایی، هوش های چندگانه

^۱ گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فراهان، فراهان، ایران

^۲ گروه مدیریت، واحد فراهان، دانشگاه آزاد اسلامی، فراهان، ایران

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد فراهان، فراهان، ایران

۱- مقدمه

اهمیت آموزش پرورش در دوره ابتدایی را از دوجنبه حساسیت و سهولت اثر پذیری دانش آموزان از محیط های آموزشی و دوام و عمق یادگیری آن ها به این دوره می توان مورد بررسی قرار داد. نظام و روش های آموزشی باید به گونه ای طراحی و برنامه ریزی شوند که با توجه به سطح توانایی ها و قابلیت های افراد در اختیار مخاطبانش قرار گیرد و نه تنها موانع درونی و بیرونی موجود در روند یادگیری را برطرف سازد بلکه آموزش را با توجه به توانایی های مخاطبان مناسب سازی نماید (تات، ۱۳۷۹). آموزش کماکان یکی از حقوق لاینفک انسان محسوب می شود، امروزه حرکت کیفی به سمت آموزش های بهینه و کار آمد در نظام های تربیتی امری بدیهی به شمار می رود و پیشرفت و توسعه نیازمند تغییر و تحول است و تغییر و تحول مستلزم تغییر نگرش و استفاده از رویکرد های جدید آموزشی و تربیتی در فرآیند یاددهی و یادگیری است (قشمی، ۱۳۸۸) در مجموع می توان این سوال را مطرح نمود که با توجه به این که برای هر دانش آموز یادگیری تجربه ای طبیعی و لذت بخش است. چه می شود که این لذت با ورود اوبه مدرسه تبدیل به یک مسئله می گردد و مرتب باید برای حل آن چاره اندیشی کرد؟ اگر آموزش در فضایی غیر از فضایی، خشک و کسالت بار و با توجه به قابلیت های دانش آموزان صورت پذیرد آنها می توانند به مراتب موفقیت های بیشتری را کسب نمایند و این زمینه ای برای رشد و بالندگی فرد و جامعه خواهد بود.

از جمله ی این توانایی ها هوش موسیقایی دانش آموزان است. نظریه سبک های یادگیری پیشنهاد می کند شیوه هایی با ساختار سنتی برای بهره گیری از سبک های یادگیری افراد تغییر کنند و با تاکید برچگونگی برنامه ریزی تحصیلی فرایند تغییر را مشخص می کند در حالی که در نظریه هوش چندگانه تاکید می کند که چه چیزی برنامه ریزی شود به عبارت دیگر بر محصول تاکید می کند. البته با در نظر گرفتن هوش های چندگانه و سبک های یادگیری به تنهایی نمی توان محتوای یادگیری را محقق ساخت وهمچنین بدون توجه به سبک های یادگیری تئوری هوش چندگانه قادر به توجیه فرایند های مختلف اندیشه و احساس نیستند (سعیدی پور، ۱۳۷۸).

تئوری هوش های چندگانه نخستین بار توسط هاوارد گاردنر^۱ روانشناس معاصر با تعریفی از هوش مبنی بر این که هوش، توانایی خلق یک محصول یا خدمت با ارزش در یک فرهنگ است و با به چالش کشیدن تلقی سنتی از هوش، هشت گونه ی مختلف هوش را معرفی کرد. هوش کلامی - زبانی، هوش منطقی - ریاضی، هوش بصری - مکانی، هوش حرکتی - جسمانی، هوش موسیقایی،

^۱ Hovard gardner

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهربزک □ ۱۰۹

هوش میان فردی و درون فردی و طبیعت گرا. از نظر گاردنر هوش های چند گانه می توانند نقش زیادی در یادگیری و آموزش دانش آموزان داشته باشند و آگاهی معلمان از این تئوری باعث می شود که روش های متفاوتی را برای یادگیری دانش آموزان تجربه کنند. در نظریه هوش چندگانه هوش موسیقایی به عنوان یکی از مقوله های اصلی هوش در نظر گرفته شده است که مبین اهمیت هوش موسیقایی در آموزش و یادگیری انسان است (نورمحمدی، ۱۳۸۳). از نظر بعضی از پژوهشگران هوش موسیقایی مبانی زیستی قوی دارد و با توجه به این مبنای زیستی مناسب انواع فعالیت ها و فرصت های یادگیری مربوط به هوش موسیقایی دانش آموزان در نظام برنامه ریزی درسی ایران برنامه ریزی شده است که شامل: خواندن شعر، سروده های آهنگین، تقلید صدا، نواختن آلات مختلف موسیقی مثل سنتور، آواز خواندن فردی و گروهی، سوت زدن، زمزمه کردن، ضرب آهنگ های مختلف، ارتباط دادن موسیقی با حالات مختلف روحی، بیان معنا و مفاهیم با موسیقی، استفاده از نرم افزار های موسیقی و موسیقی فرا ذهنی است که ضمن رشد و پرورش قابلیت های موسیقایی و احساسات و نگرش های هنری دانش آموزان در تقویت و ارتقاء یادگیری شناختی آن ها نیز نقش تعیین کننده ای دارد که قابل بررسی می باشد. با توجه به رویکرد های نوین در آموزش و پرورش پژوهشگر را بر این داشت تا پژوهشی در رابطه با تاثیر هوش موسیقایی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان صورت دهد تا گامی در جهت هرچه کارآمدتر شدن طراحی ها و برنامه های آموزشی و تربیتی و کمک با فرایند یادگیری دانش آموزان بردارد. در این پژوهش مسئله ی حاضر عبارت است از این که: آیا بین هوش موسیقایی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم رابطه ای وجود دارد؟

۲-چارچوب نظری تحقیق

- مفهوم کلی هوش

هوش یکی از مباحث اصلی و مهم در روان شناسی است. در تعریف آن (لغوی و اصطلاحی)، گفته شده است «هوش یا هوش در لغت به معنای فهم، شعور، درک، آگاهی، بیداری، بجا بودن حواس، متمایز کردن، زیرکی، زرنگی، عقل و خرد استعمال شده است. و اما بررسی مفهوم اصطلاحی هوش نشان می دهد که علی رغم تعاریف گوناگون و متنوع از آن، مراد چیزی جز تعبیر ادبی و تاریخی «جوهر دانایی» و یا «توانایی یادگیری» نیست. هرگاه فرد در حوزه های خاص از توانایی یادگیری فوق

العاده باشد، اصطلاحاً می‌گوییم وی فردی مستعد است و در آن زمینه از استعداد خاص برخوردار است» (کاظمی حقیقی، ۱۳۷۶ ص ۱).

ارائه‌ی تعریفی جامع که بتواند تمامی ابعاد «هوش» را در نظر بگیرد مشکل است زیرا اصولاً هوش صفتی فرضی و مفهومی انتزاعی است که از روی عملکرد افراد قابل تشخیص است. واژه‌ی هوش زیاد به کار می‌رود، ما پیوسته هموعان خود، به خصوص کودکان را تیزهوش، یا کم‌هوش یا بی‌هوش می‌نامیم یا در فکر خود یکی از این صفات را به آنان نسبت می‌دهیم. با این وجود اگر از ما بپرسند که هوش چیست؟ در پاسخ به زحمت می‌افزیم علت این است که اولاً مسلم نیست که هوش به وجه مطلق و خالص و به صورت استعداد مستقل وجود داشته باشد، ثانیاً به فرض وجود داشتن، بتواند مستقیماً و به روش عینی و علمی مورد مطالعه قرار گیرد (پیازنه^۱، ۱۹۸۶). آلفرد بینه و سیمون که اولین آزمون هوش به نام آن هاست معتقد بودند «هوش یک قوه‌ی ذهنی بنیادی است که تغییر یا فقدان آن بیش‌ترین اهمیت را در زندگی علمی آدمی دارد. این قوه ذهنی، همان قضاوت است که گاه از آن تحت عنوان عقل سلیم، عقل عملی، ابتکار و توانایی تطبیق با شرایط یاد می‌شود: درست قضاوت کردن، درست درک کردن و درست استدلال کردن و اینهاست فعالیت‌های بنیادین هوش» (بینه و سیمون^۲، ۱۹۰۵، به نقل از هلیگارد، ۱۳۸۰ ص ۴۷ و ۴۸). در سال ۱۹۱۶، ترمن^۳ شاخص مناسبی برای هوش ارائه داد که نخستین بار توسط روان‌شناس آلمانی؛ (اشترن^۴، ۱۸۳۸) پیشنهاد شده بود. این شاخص هوش بهر نامیده می‌شود که در زبان انگلیسی به (IQ) شهرت دارد. اما در سال‌های اخیر دیدگاه‌های دیگری نسبت به هوش پدید آمده‌است. یکی از این دیدگاه‌ها، نظریه هوش چندگانه است که توسط هاوارد گاردنر، روان‌شناس دانشگاه هاروارد، ارائه گشته است. بر طبق این نظریه، دیدگاه‌های روان‌سنجی سنتی نسبت به هوش، بسیار محدود و ضعیف است. گاردنر نظریه‌اش را نخستین بار در کتاب «قاب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه»، در سال ۱۹۸۳ ارائه کرد. به عقیده او همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. او در کتاب خود، هشت نوع مختلف هوش را معرفی نموده و احتمال داده است که نوع نهمی نیز به عنوان «هوش هستی‌گرا» وجود داشته باشد. طبق نظریه گاردنر^۵، برای به دست آوردن تمام قابلیت‌ها و استعدادهای یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش موسیقایی، هوش درون

^۱ piajhe

^۲ bine&simon

^۳ teroman

^۴ wiliyam shtern

^۵ gardner

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهربزرگ □ ۱۱۱

فردی، هوش تصویری-فضایی و هوش کلامی- زبانی نیز باید در نظر گرفته شود. نظریه گاردنر با انتقاداتی از سوی روان‌شناسان و مربیان روبرو گشته است. منتقدان می‌گویند تعریف گاردنر از هوش بسیار وسیع و گسترده است و هشت نوع هوشی که او تعریف کرده فقط نشانگر استعدادها، خصوصیات شخصیتی و توانایی‌ها است. از دیگر نقاط ضعف نظریه گاردنر می‌توان به کمبود پژوهش‌های عملی پشتیبان آن اشاره کرد. اما با وجود این، نظریه هوش چندگانه محبوبیت زیادی در بین مربیان و آموزشگران پیدا کرده است و بسیاری از معلمان از این نظریه در انتخاب شیوه تدریس خود استفاده می‌کنند.

تعریف هوش از نظروکسلر^۱: مجموعه ی نیرو یا ظرفیتی که به فرد یاری می‌دهد تا در محیط خود با اندیشه‌های سنجیده و رفتار و کرداری موثر و با هدف عمل کند (پارسا، ۱۳۸۰ ص ۵۱). هوش قابلیت تغییر یا قابلیت سازگاری است (ساعتچی، ۱۳۸۶ ص ۲۲۷).

تعریف هوش از نظر گاردنر: هاوارد گاردنر روانشناس معاصر، شرایط جدیدی برای درک هوش انسان و پدید آمدن دیدگاه‌های قوی در فرایند آموزش به وجود آورده است که کارکرد‌های مهمی در تعلیم و تربیت دارد (آرمسترانگ، ۲۰۰۷؛ کیمبل؛ هوئر، ۲۰۰۰) گاردنر مفهوم سنتی هوش به عنوان یک وجود ثابت منفرد را به چالش کشانده و آن را به عنوان «توانایی زیستی-روانی پردازش اطلاعاتی» که می‌تواند در یک موقعیت فرهنگی منجر به حل مسائلی یا خلق محصولات شود که در یک فرهنگ ارزشمند هستند تعریف می‌کند (گاردنر، ۲۰۰۶). او در کتاب «چارچوب‌های ذهن»، هشت هوش متمایز را مطرح کرده که عبارت‌اند از:

- ۱- هوش کلامی - زبانی؛ شامل حساسیت نسبت به زبان گفتاری و نوشتاری، توانایی برای یادگیری زبان‌ها و توانمندی در استفاده از زبان برای تحقق اهداف خاص؛
- ۲- هوش ریاضی- منطقی؛ شامل توانایی استدلال قیاسی یا استقرایی و تشخیص و دستکاری الگوها و روابط انتزاعی مرتبط؛
- ۳- هوش دیداری- فضایی؛ شامل توانایی خلق عرضه داشت‌های فضایی / دیداری از جهان و انتقال بازنمایی‌ها به صورت ذهنی یا محسوس؛
- ۴- هوش بدنی-جنبشی؛ شامل استعداد استفاده از تمام یا بخشی از بدن (مانند دست یا دهان) برای حل مسائل یا خلق محصولات؛
- ۵- هوش موسیقایی؛ شامل مهارت در عملکرد، تصنیف و درک الگوهای موسیقایی؛

۶- هوش بین فردی؛ که به توانایی فرد برای درک دیگران (یعنی مقاصد، انگیزه ها، علایق، اهداف پنهان و غیره) و در نتیجه کار کردن موثر با دیگران.
۷- هوش درون فردی؛ شامل توانایی درک خود (یعنی علایق، ترس ها و توانمندی های خویش).

۸- هوش طبیعت گرایانه؛ شامل توانایی تشخیص و طبقه بندی گونه های متعدد گیاهی و جانوری یک محیط. (گاردنر، ۱۹۹۹؛ آرمسترانگ، ۲۰۰۰؛ هوئر، ۲۰۰۰؛ پیرسون^۱، ۲۰۰۸).
گاردنر خاطر نشان می کند که کودکان توانایی های منحصر به فرد و گوناگونی دارند. که با این حس درونی معلمان که دانش آموزان می توانند مطالب را به روش های مختلف یاد گیرند، به خوبی مطابقت دارد (ویزر^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). از دیدگاه گاردنر چالش هزاره سوم این است که آیا می توانیم این توانایی ها و تفاوت ها را به کانونی برای تدریس و یادگیری تبدیل کنیم یا این که به جای آن به رفتار یکسان با دانش آموزان ادامه دهیم. (به نقل از برگمن^۳، ۲۰۰۱). این تئوری، روش های جدیدی برای بهبود فرایندهای تدریس، یادگیری و ارزیابی ارائه می کند (آرمسترانگ، ۱۳۸۳) که فضای بیشتری برای خلاقیت به وجود می آورند و بر درک و کاربرد دانش، روش ها و مفاهیم جدید در فرایند تدریس تاکید می نمایند و به دانش آموزان امکان می دهد تا آن چه را به روش های مختلف آموخته اند، نشان دهند که به آن ها در مهارت یافتن در محدوده توانایی شان و تفاوت های یادگیری کمک می کند (یانگ^۴، ۲۰۰۸). همچنین به معلمان اجازه می دهد تا علاقه و نگرش به یادگیری با تمرکز بر توانایی های هر دانش آموز را تشویق کنند (شورت^۵، ۲۰۰۴). متاسفانه برنامه های درسی و آموزش کنونی، در همه سطوح یادگیری، اختصاص به توانایی های منطقی و زبانی پیدا کرده است که این شیوه رویایی با تربیت دانش آموزان، نیازهای متنوع آنان را در یک دنیای متغیر برآورده نمی کند. به عبارت دیگر، اکثر مدارس امروزی فضایی برای تجربه های دانش آموزان که میتوانند در عملکرد بهینه آنان در قرن ۲۱ متمرکز باشند، تدارک نمی بینند. جهت تحقق این امر، علاوه بر ضرورت حمایت آموزش و پرورش، معلمان نیز باید تسلط کامل و عمیق به شرایط دانش آموزان و موضوع آموزشی داشته واز این که راه های زیادی برای یادگیری دانش آموزان وجود دارد،

۱ pierson

۲ viser

۳ bergman

۴ yang

۵shewerte

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک □ ۱۱۳

آگاه باشند و در طراحی روش های مختلف ونوبن جهت تطبیق با نیازهای متنوع دانش آموزان وخلق تجربه هایی که موفقیت طولانی مدت آنها را در یادگیری تضمین می کنند، کوشا باشند. مطابق نظرگاردنر یادگیری واقعی هنگامی تحقق پیدا می کند که توانایی های منحصر به فرد تک دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد وشرايط لازم برای ایجاد وپرورش هریک از مقوله های هوشی فراهم باشد این نظریه شیوه های جدیدی را برای افراد متفاوت فراهم می کند تا این که آنها فرصت هایی را برای یادگیری از طریق شیوه هایی که مناسب آنهاست به دست آورند.

عوامل موثر در پرورش هوش موسیقایی دانش آموزان:

مفاهیم موسیقایی، آوازخواندن، زمزمه کردن، یا سوت زدن، نواختن موزیک ضبط شده، نواختن آهنگ با پیانو، گیتاریاسایرآلات موسیقی، آوازخواندن گروهی، موسیقی حالات روحی، گرایش موسیقایی، نواختن سازهای کوبه ای، ریتم، آواز، ضربه وسرود، استفاده از موسیقی متن، ارتباط دادن آهنگ با مفاهیم، ساختن ملودی های جدید برای مفاهیم، گوش دادن به مظاهردرونی موسیقی، نرم افزار موسیقی، موسیقی فراذهنی

۶- هوش میان فردی: یعنی توانایی درک وتمایز حالات روحی، مقاصد، انگیزه ها واحساسات دیگران. این هوش، مستلزم شناسایی حالات چهره، صداها، ایماواشارات، توانایی تشخیص انواع مختلف نشانه های بین فردی وتوانایی پاسخ گویی صحیح به این نشانه هاباروش عملی است. موقع استفاده ازاین هوش لوب های پیشانی، لوب گیجگاهی به ویژه در نیمکره سمت راست مغز وسیستم لیمبیک فعال می شوند. الحاقات وترکیبات سه ساله نخست زندگی ازعوامل توسعه ی آن بوده واسناد سیاسی ونهادهای اجتماعی از روشهای پرورش ارزشی آن محسوب می شود. منشاء تکاملی آن زندگی گروهی برای شکار بوده وتظاهر آن در گونه های دیگرمثل نخستین ها و... به صورت پیوند مادری مشاهده می شود. عامل تاریخی اقتصاد خدماتی در اهمیت پیدا کردن این نوع هوش نقش بسزایی داشته است.

هوش موسیقایی

هوش موسیقایی یعنی توانایی درک و تولید موسیقی. این هوش با آهنگ، موسیقی و گوش دادن به آن سر وکار دارد. آنهایی که دارا ی سطح بالایی از هوش موسیقایی می باشند، حساسیت زیادی به اصوات، ریتم ها، نت ها و موسیقی از خود نشان می دهند. آنها به طور معمول قادر به آواز خواندن، نواختن ابزار آلات موسیقی و ساخت موسیقی می باشند. از آنجا که مؤلفه های شنیداری بسیار قوی در

ارتباط با این هوش وجود دارد، آنهایی که در این هوش قوی می باشند می توانند از طریق سخنرانی، مطالب و موضوعات مختلف را بهتر یاد بگیرند. بعلاوه آنها اغلب از آهنگ ها و ریتم ها برای یادگیری و به یاد سپاری استفاده می کنند و با نواختن موسیقی هم می توانند به این هدف مهم نائل آیند. مهارت های این افراد شامل: آواز خواندن، نواختن ابزار آلات موسیقی، تشخیص الگوهای آهنگین، آهنگ سازی، به یاد آوردن ملودی ها و درک ساختار و ریتم موسیقی می باشد. این گونه افراد این شغل ها را ترجیح می دهند: موسیقی دان، خواننده، آهنگ ساز، رهبر ارکستر (گاردنر، ۱۹۸۳)

مکانیزم مغزی موسیقی

موسیقی می تواند امواج مغزی را تعدیل بخشیده و از سرعت آنها بکاهد. به طور طبیعی آگاهی از امواج بتا تشکیل یافته است از ۱۴ تا ۲۰ هرتز. ارتعاش امواج بتا زمانی تشکیل می شوند که ما خود را غرق فعالیت های روزانه جهان خارج می نمائیم و همین طور در هنگام بروز احساسات منفی قوی ظاهر می گردند آگاهی و آرامش افزایش یافته، همراه با امواج آلفا است که از ۸ تا ۱۳ هرتز و دوران خلایقیت به اوج می رسد. مراقبه و خواب با امواج تتا همراهند (۴ تا ۸ هرتز) و امواج دلتا در خواب عمیق و مراقبه و ناخود آگاهی (۳ تا ۵ هرتز) هرچه جریان امواج مغزی آهسته تر باشند. ما به میزان بیشتری احساس آرامش و رضایت می نماییم. (کمپل، ۱۳۸۰). نواختن موسیقی می تواند به خلق یک تعادل پویا میان نیمکره ی منطقی تر مغزی و بین نیمکره چپ و راست شهودی بپردازد و به ایجاد تفکری که می تواند پایه خلایقیت را بنا نهد منجر گردد (کمپل، ترجمه بهزاد، ۱۳۸۰). وقتی اطلاعات تازه ای از محیط به نوزاد می رسد مسیرهای عصبی جدیدی ایجاد می شود.

یادگیری های ذهنی و پیشرفت مهارت های حرکتی نیز مسیرهایی را به خود اختصاص می دهد. نوروپهایی که در این مسیرها به کار گرفته نمی شوند به تدریج از بین می روند. تصور می شود که موسیقی نیز به این طریق عمل کرده و سبب پیدایش و تقویت مسیرهای عصبی خاص خود می گردد. در تحقیقی در دانشگاه کونستانس آلمان نشان داده شد که موسیقی سبب نوسازی مسیرهای عصبی و تقویت چرخه های نوروترانسمیتری بین نورونی می گردد (بگلی^۱، ۱۹۹۶). تحقیقات نشان می دهند که مغز انسان از قبل آماده شده است تا الگوها را در موسیقی و زبان ردیابی کند. جالب است که ما انواع مشخصی از الگوهای موسیقایی را به بقیه ترجیح می دهیم. محقق کانادایی، دریافته اند که نوزادان

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهربزرگ □ ۱۱۵

قطعات موزون را به قطعات ناموزون ترجیح می‌دهند. نوزادان چهار ماهه ترجیح می‌دهند تا قطعات اصل نوشته شده توسط موتزارت را گوش کنند تا قطعات موتزارت که به صورت غیرطبیعی اجرا شده‌اند. تأثیر هیجانی موسیقی به اثبات رسیده است. عصب شناسان دانشگاه مک جیل موتترال از تصویربرداری برشی از انتشار پوزیترون استفاده کردند تا تغییرات جریان خون مغزی مرتبط با پاسخهای تاثیرگذار به موسیقی را بررسی کنند. آنها به این نکته دست یافتند که بخشهایی از مغز که درگیر پردازش هیجان بودند، وقتی انسان موسیقی می‌شنود به دلیل فعالیت روشنتر می‌شوند.

تحقیقات داخلی

در پژوهش (اکبری مطلق، ۱۳۹۴) با عنوان مقایسه ی ویژگی های عصب روانشناختی کودکان فراگیر موسیقی و عادی دوره دبستان با این نتیجه رسید که بین ویژگی های عصب روانشناختی شامل کارکرد های اجرایی، توجه، زبان و حافظه و یادگیری دانش آموزان فراگیر موسیقی و عادی تفاوت معنا داری وجود دارد و این آموزش موسیقی می تواند برای دانش آموزان دوره ابتدایی مفید باشد. پژوهش (شریعت پناهی، ۱۳۹۳) نشان داد در دانش آموزان دبستانی مبتلا به اختلالات یادگیری پس از استفاده از آموزش مبتنی بر موسیقی نتایج زیر شامل کاهش اختلال خواندن و کاهش اختلال نوشتن و کاهش اختلال ریاضی و کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش شناخت اجتماعی رشد محسوسی در آنان داشته است. همچنین می توان به تحقیقات دیگری در این زمینه اشاره نمود.

(ربیعی نژاد، ۱۳۹۳) در تحقیقی که با عنوان بررسی رابطه هوش موسیقی و آموزش موسیقی با خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نارسا خوان انجام داد با این نتیجه رسید که آموزش موسیقی بر خود پنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر داشته و آن را افزایش می دهد. در تحقیق (صالح و توکلی، ۱۳۹۳) که با عنوان بررسی تأثیر موسیقی بر میزان رشد نگارش خلاق (انشاء) دانش آموزان انجام شد بیان کردند که نگارش خلاق یا انشاء به معنای آفریدن، آغاز کردن و از خود چیزی گفتن است و فرایند یادگیری زمانی به حداعلا ی خود میرسد که منجر به تولید و خلاقیت گردد. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر موسیقی بر یکی از مؤثرترین مؤلفه های یادگیری، یعنی انشاء در دبستان است. روش تحقیق بر اساس انتخاب تصادفی یک گروه ۹ نفره مقطع ششم از میان ۳ کلاس موجود در دبستان مورد پژوهش و به کار گیری طرح پیش آزمون و پس آزمون بوده است. به منظور پیشبرد پژوهش، گروه انتخابی متشکل از ۹ دانش آموز در سه گروه سه تایی انتخاب گردید و در مرحله اول به نگارش انشاء پرداخته و نمونه ها جمع آوری شدند، سپس در مرحله بعدی و با تفاوت زمانی یک هفته دانش آموزان در زنگ انشاء تنها به گوش دادن موسیقی پرداخته و مجددا

پس از گذشت یک هفته همراه با پخش موسیقی به نگارش انشاء پرداخته اند. موسیقی پخش شده، گزیده انتخابی از موتزارت و شامل قطعه آلرگو و همچنین کنسرت ویولون شماره ۵ بوده است. با توجه به توصیفی بودن ارزیابی دانش آموزان تفاوت چشمگیری میان ارزیابی اولیه و ثانویه مشاهده شد. که البته تحت تأثیر عواملی چون هوش موسیقایی قرار دارد. یافته ها تفاوت معنی دار و مثبتی را میان ارزیابی اولیه و ثانویه بیان می کنند و نتایج بیانگر این مطلب میباشد که هوش موسیقی دانش آموزان به عنوان عامل تأثیرگذار مثبت منجر به نتایج بهتر و مطلوب می گردد. در پژوهش (نحوی و همکاران، ۱۳۸۷) با عنوان بررسی تاثیر هوش موسیقایی بر یادگیری هنرجویان آموزشگاه موسیقی به این نتیجه رسید که سطح تحصیلات والدین بر اندازه هوش موسیقایی فرزندان موثر است. همچنین در پژوهشی (خلف بیگی و همکاران، ۱۳۸۵) ثابت کردند عملکرد حافظه ی کوتاه مدت با بهره گیری از تحریکات موزون شنیداری متناوب بهتر از زمانی است که تحریکات بینایی به کار برده می شود آنها بیان کردند که موسیقی از راه تصویر سازی ذهنی تقویت حافظه را به دنبال دارد.

۲-۲۱-۲- تحقیقات خارجی

(جانسون، ۲۰۰۷) در پژوهش خود بیان نمود توانایی بیان و احساس ضرب در کودکان و بزرگسالان فراتر از لذت بردن و واکنشی پیش پا افتاده به موسیقی ساده است ضرب های یکسان زیربنای توانایی درک الگوهای گفتار و زبان به شمار می آید و به همین جهت واجد اهمیت بسیار است.

(کولیر و لوگان، ۲۰۰۰) در پژوهش خود که بر روی کودکان در حال آموزش موسیقی انجام دادند بیان کردند که آموزش موسیقی به صورت نظامند و منظم در کودکان در زمینه ی پردازش حافظه آنها بسیار موثر است. با توجه به این که حین آموزش موسیقی از کودکان خواسته می شود که فواصل نت ها، ریتم و شعر و جملات موسیقی را به خاطر بسپارند و در این فرایند کودکان مراحل به خاطر سپردن شامل رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات را تمرین می کنند تاثیر مثبتی بر حافظه آنان خواهد داشت.

(البرت و همکاران، ۱۹۹۹)^۱ در پژوهشی این فرضیه را ثابت کردند که آموزش موسیقی سبب تقویت و تکامل مسیر های عصبی دخیل در انجام فرایندهای شناختی می گردد. آنها ۳۶ کودک چپا و پنج ساله رادر گروه آزمایش به مدت ۳۰ هفته و در هر هفته ۷۵ دقیقه در کلاس های آموزشی

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک □ ۱۱۷

موسیقی کودکان شرکت دادند و با ۳۵ کودک گروه گواه که از مهد کودک ها انتخاب شده بودند از طریق آزمون استنفورد بینه مقایسه شدند که نتایج نشانگر افزایش معنا دار رشد شناختی کودکان گروه آزمایش نسبت به گروه گواه بود.

(راشر و همکاران، ۱۹۹۷)^۱ در مطالعه ای نشان دادند که توانایی استدلال فضایی-زمانی کودکان سه ساله ای که شش ماه هفته ای دوبار و هر جلسه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه آموزش خصوصی کیبورد می دیدند و هر روز به مدت ۳۰ دقیقه به تمرین آواز می پرداختند نسبت به سه گروه کنترل که آموزش موسیقی نمی دیدند افزایش قابل توجهی داشتند. مدار بندی موسیقی و ریاضی در مغز با یکدیگر مرتبط است بدین ترتیب آشنایی با موسیقی در دوران کودکی به آموزش ریاضی در سال های بعد می تواند کمک کند. راشر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که آموزش موسیقی در مدار بندی عصبی احتمالاً در مناطق قشر پیشانی راست و گیجگاهی چپ تغییر ایجاد می کند و این تغییر باعث بهبود استدلال فضای-زمانی میشود که فرایند های فضایی-زمانی در نواحی وسیعی از قشر مغز سازمان یافته اند که در استدلال فضایی و فعالیت های موسیقایی مورد استفاده قرار می گیرند.

۳- روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع مطالعات غیر تجربی بوده و جنبه توصیفی دارد؛ زیرا در این تحقیق پژوهشگر برآن است که به گردآوری داده ها بدون دخل و تصرف در متغیرها بپردازد و با استفاده از روشهای آماری به توصیف آن پرداخته و توجه بیشتر در جهت توصیف کردن و گزارش نویسی از موقعیت ها و وقایع براساس اطلاعاتی است که جنبه توصیفی دارد. پژوهشگر در این تحقیق با استفاده از معدل نمرات پایان ترم نمونه آماری و تبدیل آن از نمرات کیفی به کمی و نمره هوش موسیقایی با استفاده و اجرای پرسشنامه استاندارد شده و با تنظیم و اجرای پرسشنامه محقق ساخته بعد از به دست آوردن اطلاعات لازم، داده ها را جهت رسیدن به نتیجه به وسیله فرمول های آماری تجزیه و تحلیل نموده است.

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه ی سوم منطقه ی کهریزک بوده که تعداد آنها ۳۵۰ نفر بوده است.

حجم نمونه آماری این تحقیق ۱۸۱ نفر از دانش آموزان پسر پایه ی سوم منطقه کهریزک را در برگرفته است و تعداد حجم نمونه با توجه به جدول مورگان^۲ در نظر گرفته شده است. با توجه به

۱-rashere

2-morgan

شرایط نمونه آماری از روش نمونه گیری طبقه ای استفاده شده است و حجم نمونه در ابتدا به دو طبقه ی دانش آموزان مدارس روستایی و دانش آموزان مدارس شهری طبقه بندی شده و متناسب با تعداد مدارس تعداد نمونه از آنها انتخاب شده است و از ۴۰ درصد مدارس منطقه ی کهریزک که به مدارس روستایی اختصاص داشته است ۸۰ نفر نمونه انتخاب شده و از ۶۰ درصد مدارس منطقه کهریزک که به مدارس شهری اختصاص داشته است ۱۰۱ نفر برای نمونه انتخاب شده است.

ابزار گرد آوری داده ها

در این مطالعه علاوه بر استفاده از نمره های پیشرفت تحصیلی نمونه ی آماری از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده شد است. پرسشنامه های استفاده شده مشتمل بر دو نوع پرسشنامه است که عبارتند از:

- ۱- **پرسشنامه ی هوش چند گانه ی گاردنر:** محقق برای به دست آوردن نمره ی هوش موسیقایی نمونه ی آماری از تست هوش چند گانه ی گاردنر استفاده نموده است. این پرسشنامه به منظور سنجش هر یک از مولفه های هشت گانه ی هوش در قالب ۸۰ سوال تهیه و تنظیم شده است و بر اساس طیف لیکرت از خیلی کم (۱) متوسط (۳) زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) به صورت ۵ گزینه ای و در قالب ۸۰ گویه و در هشت مولفه که هر یک دارای ۱۰ گویه می باشد.
- ۲- **پرسشنامه ی محقق ساخته:** این پرسشنامه دارای ۴ سوال کوتاه پاسخ برای به دست آوردن اطلاعات شغل و سطح تحصیلات پدر و مادر نمونه ی آماری است.
- ۳- **مقیاس پیشرفت تحصیلی:** نمره ی پیشرفت تحصیلی نمونه ی آماری با توجه به میانگین نمرات کارنامه ی پایان ترم آنها و تبدیل نمرات کیفی به کمی به دست آمده است.

روایی آزمون

نخستین ویرایش پرسشنامه هوش چند گانه ی گاردنر در سال های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ توسط کرزی^۲ و همکاران بر روی دانشجویان دانشگاه فنلاند اجرا شد. اعتبار این پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ در حوزه هوش های زبانی ۰/۶۴، هوش منطقی ریاضی ۰/۷۶، هوش موسیقایی ۰/۷۳، هوش حرکتی ۰/۷۴، هوش میان فردی ۰/۸۲ و هوش درون فردی ۰/۷۰. گزارش شد (کرزی، ۲۰۰۲). دومین ویرایش

1-likert

2-karsy

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهربزرگ □ ۱۱۹

تجدید نظر شده این ابزار شامل هوش معنوی یا -وجودی است، از سوی (کرزی، ۲۰۰۶) بررسی گردید که اعتبار آن بر اساس آلفای کرونباخ ۷۴-۷۰ صدم گزارش شد. ویرایش سوم این پرسشنامه که شامل هوش محیط‌گرا می‌شود، توسط (کرزی، ۲۰۰۷) بررسی گردید. که ۸۹ صدم محاسبه شد. این پرسشنامه برای گروه سنی ۵۱-۱۴ سال مونث و مذکر استفاده شده است. پرسشنامه دارای نه حوزه هوشی گاردنر است گویه‌های این ابزار در مقیاس لیکرت از کاملاً موافقم نمره ۵ تا کاملاً مخالفم نمره ۱ درجه بندی شده است. براساس مطالعات^۱ (کرامتون و واگنر، ۲۰۰۸) اجرای این پرسشنامه به صورت خودگزارش‌دهی است. شیوه نمره‌دهی براساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت که در بالا گفته شد است، برای هر طبقه هوشی حداکثر نمره ۲۰ و حداقل نمره ۴ در نظر گرفته شده است. (کرزی و پتی، ۲۰۰۸). براساس نظر کارشناسان و خبرگان روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه مورد تایید می‌باشد و از روایی مناسبی برخوردار است

پایایی آزمون

ضرایب پایایی زیر مقیاس های پرسشنامه به روش الفای کرونباخ نشان دهنده ی پایایی مناسب است. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ محاسبه گردد، پایایی پرسشنامه مطلوب ارزیابی می‌شود. به منظور سنجش هر یک از مؤلفه‌های هشت‌گانه هوش، پرسش‌نامه ۸۰ سؤالی سنجش هوش‌های چندگانه از کتاب سنجش و کاربرد هوش‌های چندگانه در خانه و مدرسه (آذرفر، ۱۳۸۶) اقتباس شده و با استفاده از نرم افزار SPSS میزان الفای کرونباخ گویه‌ها محاسبه گردید.

جدول ۱: میزان الفای کرونباخ مؤلفه های سیاهه ارزیابی هوش چند گانه

میزان الفای کرونباخ	تعداد سوالات	مؤلفه
۰/۸۱۷	۱۰	هوش کلامی -زبانی
۰/۷۷۰	۱۰	هوش منطقی-ریاضی
۰/۸۱۰	۱۰	هوش بصری-مکانی
۰/۷۳۹	۱۰	هوش حرکتی - جسمانی
۰/۸۵۲	۱۰	هوش موسیقایی
۰/۸۷۶	۱۰	هوش میان فردی
۰/۸۸۵	۱۰	هوش درون فردی
۰/۸۹۲	۱۰	هوش طبیعت گرا

با توجه به عدد های محاسبه شده که الفای کروناخ از عدد ۰/۷ بیشتر می باشند پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

۴- تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش

فرضه اول: بین سطح هوش موسیقایی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

متغیر ها	ضرب همبستگی	ضرب تعیین	فاصله اطمینان	
تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی	۰/۲۳۲	۰/۰۵۴	۲/۹۲	۰/۰۵۴ از پیشرفت تحصیلی باهوش موسیقایی در ارتباط است

یافته های پژوهش در زمینه ی تاثیر هوش موسیقایی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با نتایج بررسی های دیگر مانند (علی زاده محمدی، ۱۳۷۶) و (محمد نحوی، ۱۳۸۷) هم سویی دارد و چنانکه در جدول بالا دیده می شود وجود همبستگی بین هوش موسیقایی و پیشرفت تحصیلی با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون معنا دار بوده و با عدد همبستگی ۰/۲۳۲ و ضریب تعیین ۰/۰۵۴ درصدا فاصله اطمینان ۲/۹۲ اثبات شده است. این فرضیه مطابق با تجزیه و تحلیل در سطح معناداری ۰/۰۵۴ تایید شد و می توان نتیجه گرفت که هوش موسیقایی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موثر است و مطابق با مفاهیم نظری در فصل دوم می توان چنین بیان کرد که از نظر بسیاری از پژوهشگران هوش موسیقایی مبانی زیستی قوی دارد و با توجه به این مبانی زیستی مناسب انواع فعالیت ها و فرصت های یادگیری مربوط به هوش موسیقایی دانش آموزان می تواند در فرایند یادگیری موثر بوده و به آنان بسیار کمک نماید.

بنا براین می توان چنین نتیجه گیری نمود که نتیجه ی این پژوهش با پژوهش (ربیعی نژاد، ۱۳۹۳) که با عنوان بررسی هوش موسیقی و آموزش موسیقی با خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نارسا خوان با این نتیجه که آموزش موسیقی بر خود پنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را افزایش داد همسویی دارد. همچنین با تحقیق (فخاری زاده، ۱۳۸۳) با عنوان بررسی تاثیر آموزش موسیقی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی پنجم ابتدایی با این نتیجه که آموزش

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک □ ۱۲۱

موسیقی بر یادگیری درس ریاضی و علوم دانش آموزان تاثیر مثبت داشته است همسویی دارد. همچنین با پژوهش (میربها و همکاران، ۱۳۸۲) با عنوان تاثیر آموزش موسیقی بر افزایش توانایی های شناختی کودکان با این نتیجه که موسیقی بر رشد برخی توانایی های شناختی کودکان موثر است همسویی دارد. همچنین با تحقیق (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۸۹) با عنوان تاثیر موسیقی بر مهارت های پایه ی ریاضی کودکان پیش دبستانی با این نتیجه که آموزش موسیقی مهارت های یادگیری کودکان پیش دبستانی را افزایش می دهد همسویی دارد. همچنین با پژوهش (اکبری مطلق، ۱۳۹۴) با عنوان مقایسه ی ویژگی های عصب روانشناختی کودکان فراگیر موسیقی و عادی دوره دبستان با این نتیجه که بین ویژگی های عصب روانشناختی شامل کارکرد های اجرایی، توجه، زبان و حافظه و یادگیری دانش آموزان فراگیر موسیقی و عادی تفاوت معنا داری وجود دارد و این آموزش می تواند برای دانش آموزان دوره ابتدایی مفید باشد همسویی دارد.

فرضیه دوم: بین سطح تحصیلات پدر با هوش موسیقایی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

متغیر ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	فاصله اطمینان	
تعیین ارتباط تحصیلات پدر با هوش موسیقایی	۰/۱۹۴	۰/۳۸	۱/۰۴	۰/۳۸ درصد هوش موسیقایی با تحصیلات پدر در ارتباط است

با توجه به محاسبات انجام شده با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج به دست آمده نشان داد که تحصیلات پدر با ضریب هوشی موسیقایی دانش آموزان ارتباط معنی داری دارد که با عدد همبستگی ۰/۱۹۴ و ضریب تعیین ۰/۳۸ درصد و فاصله اطمینان ۱/۰۴ همبستگی آن اثبات شده است. این فرضیه در سطح معناداری ۰/۳۸ تایید شد و نتیجه این است که سطح تحصیلات پدران با هوش موسیقایی دانش آموزان در ارتباط است و پدرانی که دارای تحصیلات بالاتری هستند فرزندان آنها از هوش موسیقایی بیشتری برخوردارند و مطابق با مطالعات گذشته این نتیجه با نتیجه پژوهش (نحوی و همکاران، ۱۳۸۷) با عنوان بررسی تاثیر هوش موسیقایی بر یادگیری هنرجویان آموزشگاه موسیقی با این نتیجه که سطح تحصیلات والدین بر هوش موسیقایی فرزندان موثر است همسویی دارد.

فرضیه سوم: بین سطح تحصیلات مادر با هوش موسیقایی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	فاصله اطمینان	
تعیین رابطه تحصیلات مادر با هوش موسیقایی	۰/۱۷۷	۰/۳۱	۰/۹۶۴	۰/۳۱ درصد هوش موسیقایی با تحصیلات مادر در ارتباط است

با توجه به محاسبات انجام شده با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج به دست آمده نشان داد که تحصیلات مادر با ضریب هوشی موسیقایی دانش آموزان ارتباط معنی داری دارد که با عدد همبستگی ۰/۱۷۷ و ضریب تعیین ۰/۳۱ درصد و فاصله اطمینان ۰/۹۶۴ همبستگی آن اثبات شده است. این فرضیه در سطح معناداری ۰/۳۱ تایید شد و نتیجه این است که سطح تحصیلات مادر با هوش موسیقایی دانش آموزان در ارتباط است و مادرانی که دارای تحصیلات بالاتری هستند فرزندان آنها از هوش موسیقایی بیشتری برخوردارند و مطابق با مطالعات گذشته این نتیجه با نتیجه پژوهش (نحوی و همکاران، ۱۳۸۷) با عنوان بررسی تاثیر هوش موسیقایی بر یادگیری هنرجویان آموزشگاه موسیقی با این نتیجه که سطح تحصیلات والدین بر هوش موسیقایی فرزندان موثر است همسویی دارد.

فرضیه چهارم: بین شغل پدر با هوش موسیقایی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

متغیرها	(ضریب همبستگی)	ضریب تعیین	فاصله اطمینان	
تعیین ارتباط شغل پدر بر هوش موسیقایی	۰/۱۵۴	۰/۰۱	۱/۶۷۵	۰/۰۱ درصد هوش موسیقایی با شغل پدر در ارتباط است

با توجه به محاسبات انجام شده با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج به دست آمده نشان داد که شغل پدر با ضریب هوشی موسیقایی دانش آموزان ارتباط معنی داری دارد که با عدد همبستگی ۰/۱۵۴ و ضریب تعیین ۰/۰۱ درصد و فاصله اطمینان ۱/۶۷۵ همبستگی آن اثبات شده است که همبستگی ضعیفی می باشد. این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۱ تایید شد که به نظر میرسد ارتباط بین شغل پدران و هوش موسیقایی فرزندان رابطه ی بسیار ضعیفی وجود دارد. اما مطابق با جدول و نمودار شماره (۱۰) در فصل چهار پدرانی که شغل فرهنگی دارند فرزندانشان از هوش موسیقایی بالاتری برخوردارند.

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک □ ۱۳۳

فرضیه پنجم: بین شغل مادر با هوش موسیقایی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	فاصله اطمینان	
تعیین ارتباط شغل مادر بر هوش موسیقایی	۰/۱۹۹	۰/۰۴	۱/۸۴۲	۰/۰۵ درصد از هوش موسیقایی با شغل مادر در ارتباط است

با توجه به محاسبات انجام شده با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج به دست آمده نشان داد که شغل پدر با ضریب هوشی موسیقایی دانش آموزان ارتباط معنی داری دارد که با عدد همبستگی ۰/۱۹۹ و ضریب تعیین ۰/۰۴ درصد و فاصله اطمینان ۱/۸۴۲ همبستگی آن اثبات شده است که همبستگی ضعیفی می باشد. این فرضیه مطابق با تجزیه و تحلیل حاصل از فصل چهارم در سطح معناداری ۰/۰۴ تایید شد که مطابق با جدول و نمودار شماره (۱۰) در فصل چهارم مادرانی که شغل فرهنگی و خانه دار دارند فرزندانشان از هوش موسیقایی بالاتری برخوردارند که این نتیجه با پژوهش (نحوی، ۱۳۸۷) با عنوان بررسی تاثیر هوش موسیقایی بر یادگیری هنرجویان آموزشگاه موسیقی با این نتیجه که دانش آموزانی که مادرانشان خانه دار بوده اند از هوش موسیقایی بالاتری برخوردارند همسویی دارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به داده های حاصل از انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها و بررسی پیشینه تحقیق و تجربیات خود محقق می توان چنین بیان کرد که هوش یک توانایی محدود نیست و انسان دارای هوش های مختلفی می باشد لذا مربیان و متخصصان تعلیم و تربیت باید به تفاوت های ذهنی دانش آموزان و علایق و نیازهای آنها توجه خاص داشته باشند و فرایندهای آموزشی را متناسب با تفاوت های ذهنی و فردی دانش آموزان خود آماده سازند. چه در سطح کلان یعنی برنامه های درسی در سطح ملی و چه در سطح خرد یعنی کلاس درس و توسط معلم توجه به این مقوله میتواند هم برای معلمان و هم برای دانش آموزان در فرایند یاد دهی یادگیری فواید زیادی به دنبال داشته باشد و آن را تسهیل نماید و به آن سرعت بخشید.

پیشنهادات بر اساس فرضیه ها و یافته ها

❖ برنامه ریزان درسی یا مدیران وسایر افرادی که در طراحی برنامه درسی مدارس نقش دارند بهتر است اهداف خود را مطابق با استعدادها و توانایی های فراگیران که با کیفیت و کمیت

های متفاوتی در آنان نهفته است تدوین کنند و برای رسیدن به این اهداف زمینه های بروز و ظهور توانایی های مختلف در دانش آموزان رافراهم کنند.

❖ مدرسه مکانی صرف برای ارایه رشته های اصلی علمی یا مهارت های اصلی خواندن، نوشتن، محاسبه نیست، بلکه مکانی برای ارایه دروس موسیقی، هنر، بحث و گفتگو، وحتی آموزش مهارت های فردی است. پیشنهاد میشود درسی تحت عنوان آموزش موسیقی به برنامه درسی دانش آموزان اضافه گردد.

❖ در صورت توجه به هوش های چندگانه در برنامه ریزی و طراحی درسی و روش تدریس دانش آموزان با توجه به توانایی های متفاوت خود موضوعات درسی را به شیوه های مختلف یاد می گیرند. پس دانش آموزان خیلی با انگیزه خواهند شد چون در می یابند سبک های یادگیری آنها مورد توجه قرار می گیرد و باور پیدا می کنند که یادگیری آنها معنادار خواهد بود. بنابر این پیشنهاد میشود معلمان در روش های تدریس و ارزشیابی خود با نگاه به مقوله ی هوش های چند گانه کار خود را برنامه ریزی نمایند.

فهرست منابع فارسی

۱. آدلر آ. ۱۳۷۰. روان شناسی فردی. ترجمه ی ح زمانی، تهران: تصویر
۲. آرمسترانگ ت. ۱۳۸۳. هوش های چند گانه در کلاس درس. ترجمه م صفری، تهران: مدرسه
۳. ای کرک س، ۲. گالاگر ج. ۱۳۸۰. آموزش و پرورش کودکان استثنایی. ترجمه ی م جوادیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. اکبری مطلق، ۱۳۹۴. مقایسه ویژگی های عصب روانشناختی کودکان فراگیرموسیقی و عادی دوره دبستان. فصلنامه علمی-پژوهشی عصب روانشناسی، سال اول، شماره یک، تابستان ۹۴
۵. پارسا ن. ۱۳۸۰. بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روان دبیران دوره راهنمایی. پایان نامه ارشد. دانشگاه آزاد اصفهان
۶. تات م. و هوسپیان آ، ۱۳۷۹. آموزش و پرورش تلفیقی دانش آموزان دیر آموز، تهران. سازمان آموزش و پرورش استثنایی
۷. جنسن ا. ۱۳۸۶. چگونگی تاثیرموسیقی بر مغز. ترجمه آگرگری، تهران: ویرایش
۸. خلف بیگی م. ۱۳۸۵. تاثیر فعالیت های موسیقایی بر توجه و حافظه در اسکیزوفرنیبا، مجله رفتار روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، دوره ۱۲

تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک □ ۱۲۵

۹. ربیعی نژاد م. ۱۳۹۳. بررسی اثربخشی آموزش مبتنی برمدل هوش چندگانه بر خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اصفهان
۱۰. ساعتچی م. ۱۳۸۶. نظریه های مشاوره. تهران: ویرایش
۱۱. شولتز د، شولتز ل. ۱۳۸۵، نظریه های شخصیت. ترجمه ی محمدی، تهران: ویرایش.
۱۲. شریعت پناهی م. ۱۳۹۳. بررسی تاثیر موسیقی بر عملکرد توجه و تمرکز دانشجویان پزشکی آزاد تهران. مجله علوم پزشکی، دوره ۱۸
۱۳. صالح ف، توکلی ا. ۱۳۹۳. بررسی تاثیرموسیقی بر میزان رشد نگارش خلاق انشاء دانش اموزان در سال ۱۳۹۳. پایان نامه ارشد. دانشگاه آزاد میبد یزد
۱۴. قشمی م. ۱۳۸۸. مقایسه تاثیر آموزش مبتنی بر کامپیوتر و آموزش سنتی بر میزان یادگیری دانش آموزان کلاس های چندپایه در درس ریاضی منطقه انگوران زنجان. پایان نامه ارشد، دانشگاه اراک
۱۵. کاظمی حقیقی ن. ۱۳۷۶. بررسی تاثیر هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه مناطق ۲۰ گانه تهران. مجله استعدادهای درخشان
۱۶. کیمبل د. ۱۳۸۰. اعجاز موسیقی. ترجمه م بهزاد، تهران: حمید
۱۷. گاردنر ه. ۱۳۶۲. قاب های ذهن. ترجمه م صفری، تهران: مدرسه
۱۸. نورمحمدی ف. ۱۳۸۳. تاثیرموسیقی ارف در بهبود ساخت دهی زمانی در کودکان. فصل نامه روانشناسی ایران، زمستان، شماره ۲
۱۹. نحوی م. ۱۳۸۷. تاثیر هوش موسیقایی بر یادگیری هنرجویان آموزشگاه های موسیقی شهر مشهد. پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد مشهد
۲۰. یانگ ج. ۱۳۸۹. شناخت درمانی. ترجمه ع صاحبی، ح حمیدپور، تهران: آگه

1-Barnard L. 2007. Self-estimates of Multiple Factor and School-Valued Intelligences. North American :University USA

2-Gollier L.2000.Gardner, s Theory of Multiple Intelligences. new York :basic books

3-Gardner H.1989.To Open Mind. new York :basic books

4-Gordon S.2005. American Music Today .dies at 72 Teacher National Assosiation Inc.

۱۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال دهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸